

بی‌تا فرهنگی تیز دوید

خبر فوت [بی‌تا فرهنگی](#)، بازیگر مطرح سینمای ایران، بسیار غم‌انگیز بود و ما را به سال‌های درخشیدن این ستاره در فیلم‌های هامون و کیمیا برد. من نیز از زمانی که خبر فوت او را شنیده‌ام به یاد خاطراتم با این ستاره سینمای ایران افتادم. سال 1373 بود و هنوز کشور در تب و تاب جنگی هشت ساله، جنوب هنوز آثار جنگی ویرانگر را از پیشانی نزدوده بود و اینجا و آنجا نخل‌های سوخته و آثار به جا مانده از نبرد با همسایه غربی صحنه‌های نادری نبودند. هنوز بسیاری از رزمندگان ما به خانه بازنگشته بودند و خبری هم از آنها نبود. در سال 73 قرار شد فیلم کیمیا به کارگردانی احمد رضا درویش و تهیه‌کنندگی هارون یشایایی، پدرم، ساخته شود و قرار شد خانم فرهنگی نقش نجات‌دهنده کیمیا را، دختر بچه‌ای که مادرش را حین زایمان از دست می‌دهد و پدرش نیز اسیر عراقی‌ها می‌شود، بازی کند.

بی‌تا فرهنگی در فیلم کیمیا متخصص زن‌انی بود که کیمیا را به دنیا آورد؛ همان نوزاد دختری که مادرش حین زایمان و بمباران عراقی‌ها جان سپرده بود و بعدها در کنار خانم دکتر به تصور اینکه فرزند او است، زندگی کرده بود. خانم دکتر بعد از نجات جان کیمیا او را بغل می‌زند و از خرمشهری که عراقی‌ها در حال تسخیر آن بودند، فرار می‌کند. نقطه اوج هنرنمایی بی‌تا فرهنگی فرار دوان دوان او با نوزاد از راه نخلستان‌های خرمشهر است تا بتواند جان‌پناهی پیدا کند.

روز تست بازیگران فیلم فرا رسید. پدر به عنوان تهیه‌کننده فیلم به خانم فرهنگی گفت: «شما باید با سرعت بدوید.» خانم دکتر فیلم چند قدمی را دوید، اما از نظر تهیه‌کننده این برای صحنه‌ای که قرار بود فرار شتابان و سریع خانم دکتر از بیمارستان خرمشهر در اوج جنگ را به تصویر بکشد، کافی نبود. هارون یشایایی شرطی را برای شروع فیلمبرداری گذاشت که «فیلمبرداری را تا زمان خوب دویدن خانم فرهنگی به تعویق می‌اندازیم.» قرار شد بی‌تا فرهنگی یک ماه هر روز در پلاتوی (استودیوی فیلمبرداری) بزرگی در طبقه پایین شرکت پخشیران سریع دویدن را تمرین کند؛ روزی یک ساعت تمرین سخت و دویدن زیر نظر مربی. با قبول این شرایط از طرف او، یک ماه از همان روز شروع شد. هر روز سر ساعت در شرکت حاضر می‌شد و با کمک مربی خود را برای صحنه فرار از خرمشهر آماده می‌کرد؛ صحنه‌ای که باید بی‌وقفه و سریع می‌دوید. یک ماه گذشت و روز تست دوباره فرا رسید. پدر در همان پلاتو به خانم فرهنگی گفت: «بدوید.» و او با چابکی و سرعتی

باورنکردني شروع به دويدن كرد. درست مانند همان صحنه‌اي در ابتداي فيلم كه زير تعقيب تانك عراقي، جان خود و نوزاد دختر را نجات مي‌دهد. اينجا هارون يشايي با رضاييت گفت: «عالي است، فيلمبرداري را شروع مي‌كنيم.» بيتا فرهي در کنار خسرو شكيبائي و رضا كيانيان در آن فيلم كه بعدها از بهترين فيلم‌هاي دفاع مقدس شناخته شد، بازي كرد و نامزد بهترين نقش اول زن در سيزدهمين جشنواره فيلم فجر شد. روحش شاد.

***مرجان يشايي**